

## تجربه اصلاحات اقتصادی در روسیه

دکتر الهه کولائی<sup>۱</sup>

### چکیده

از ژانویه ۱۹۹۲ میلادی بوریس یلتسین رئیس جمهوری روسیه به اجرای برنامه‌هایی برای اصلاح نظام اقتصاد متمرکز و دستوری روسیه، میراث دوران اتحاد شوروی پرداخت، که برخی از اقتصاد دانان از آن به عنوان یک تحول عمیق و همه جانبه یاد کرده اند.<sup>۲</sup> درک ابعاد این تحول نیازمند شناخت دقیق روند شکل گیری نظام اقتصاد متمرکز در اتحاد شوروی است. تلاش های یلتسین و اقتصاددانان غرب گرای روسیه برای انتقال سریع از سوسیالیسم به سرمایه‌داری با پیامدهای شدید سیاسی همراه گردید، که سبب تغییر در سرعت این برنامه و در واقع پایان شوک درمانی<sup>۳</sup> در اقتصاد روسیه شد.

در این مقاله علل و عوامل توجه به برنامه اصلاحات اقتصادی، فرایند شکل گیری آن در دوران اتحاد شوروی، و نتایج برنامه اصلاحات اقتصادی گورباچف (پرستریکا) به عنوان مقدمات برنامه‌های اجرا شده از سوی یلتسین از سال ۱۹۹۲ به بعد، و در واقع فرایند سوسیالیسم زدایی در فدراسیون روسیه و پیامدهای آن مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

برنامه اصلاحات اقتصادی گورباچف که در سالهای ۱۹۹۱ - ۱۹۸۵ برای زدودن آثار منفی نظام اقتصاد مبتنی بر برنامه ریزی متمرکز و اقتصاد سوسیالیستی مدل روسی اجرا شد، نتوانست روند فروپاشی این نظام را متوقف سازد. فروپاشی نظام شوروی نشان داد که نه تنها ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این نظام نارسا و ناکارآمد بودند،<sup>۴</sup> بلکه این نظام فاقد توانایی لازم برای درک و انطباق با تحولات مستمر داخلی و بین‌المللی بود. با در نظر گرفتن این نکته که مدل اقتصادی شوروی در دوران نظام دوقطبی در جهان به مدل قابل توجهی برای برخی از کشورهای جهان تبدیل شد، بررسی مسایل و مشکلات این نظام اقتصادی و بویژه تعدیل‌های انجام شده برای خروج از بحران شدید در نخستین سال‌های پس از فروپاشی امپراطوری شوروی می‌تواند آثار و پیامدهای قابل تاملی را برای اقتصادهای مشابه به‌همراه داشته باشد. برای کشور ما نیز که در سالهای گذشته شاهد شکل گیری و تکوین نوعی اقتصاد دولتی بوده است، بهره گیری از این تجارب می‌تواند کار ساز و موثر باشد. سؤال اصلی این مقاله این است که "دستاوردهای اصلاحات اقتصادی که از دوران گورباچوف شروع شد و در دوران یلتسین ادامه یافت چه نوع است"؟ برای پاسخ به این سؤال روند

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و نماینده مجلس شورای اسلامی.

2. Daniel Berkowitz, Dvid N.Dejong, & Steven Husted; "Qualifying Price Liberalization in Russia"; Journal of Comparative Economics; Vol.26, 1998; pp.735-36.

۳. مدل شوک درمانی : shock Thrapy از برنامه‌های آزادسازی و ثبات بخش اقتصادی دولت.

4. John Marangos; "A Political Economy Approach to the Newclassical Model of Transition"; American Journal of Economics and Sociology; Vol.61;No 1.

اصلاحات اقتصادی طی این دوره بررسی شده است. فرضیه اصلی این مقاله نیز این است که "برنامه‌ریزان اصلاحات اقتصادی در شوروی و سپس روسیه فاقد برنامه درستی در روش برای تحقق برنامه اصلاحات اقتصادی بودند." آنها اساساً تجویزها و توصیه‌های کارشناسان غربی و بویژه صندوق بین‌المللی پول را مورد استفاده قرار می‌دادند. فرضیه دیگری که در این پژوهش به آن اتکا شده است، این است که برنامه‌ریزان اصلاحات به پیامدهای زیانبار اجتماعی و سیاسی اجرای اصلاحات توجه نداشته‌اند و تنها در برابر بحران‌های شدید متوجه آن شده‌اند.

در این پژوهش با سیری در تاریخ تحولات اقتصادی اخیر شوروی و سپس روسیه پیامدهای اجرای برنامه "شوک درمانی" یا انتقال سریع به اقتصاد بازار بررسی شده است. این بررسی نشان می‌دهد که کاهش نقش دولت در یک اقتصاد کاملاً تحت نفوذ و کنترل دولت بدون توجه به ابعاد سیاسی - اجتماعی آن می‌تواند پیامدهای دشواری به همراه داشته باشد. با توجه به اینکه اقتصاد کشور ما نیز در سالهای پس از انقلاب کاملاً در اختیار دولت قرار گرفت، روند تحولات اقتصادی شباهت قابل توجهی با تجارب روسیه یافته است. خصوصی‌سازی و پیامدهای آن می‌تواند با توجه به تجربه روسیه به نتایج منفی کنترل دچار شود. بهره‌گیری از تجربه اصلاحات اقتصادی روسیه می‌تواند برنامه‌ریزان اقتصادی را متوجه ابعاد گوناگون برنامه سازد. آنچه در برنامه تعدیل اقتصادی در دوران آقای هاشمی رفسنجانی پس "تعدیل تعدیل" شکل گرفت، بیانی از بی‌توجهی به تجارب دیگر کشورها در بهره‌گیری از دستاوردهای تهران شده باشد. با توجه به تجربه اصلاحات اقتصادی در روسیه می‌تواند هزینه‌های اصلاحات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای انتقال ارز نظام اقتصاد را پرورش دهد.

## ۱- شکل‌گیری اقتصاد متمرکز در اتحاد شوروی

در پایان دهه ۱۹۲۰ ایجاد نظام اقتصاد جدید در اتحاد شوروی تکمیل شده بود. استالین در یک برنامه مرکب از سه بخش انقلابی را از بالا در این کشور تحقق ساخت. "اشتراکی کردن اجباری کشاورزی و تسریع در روند صنعتی شدن کشور"، به همراه ایجاد نهادهای اقتصاد دستوری و متمرکز یعنی دستگاههای برنامه ریزی متمرکز «گوس پلان» برای تسریع در روند رشد اقتصادی کشور، و بر برهم زدن شالوده‌های فرهنگی - اجتماعی پیش از انقلاب اکتبر سه جزء این برنامه را تشکیل می‌داد.<sup>۱</sup> استالین با تأکید بر تز "بنای سوسیالیسم در یک کشور" اعلام کرد، اتحاد شوروی همه توانمندیهای ضروری برای بنای سوسیالیسم را در اختیار دارد و در پی تقویت مبانی قدرت اقتصادی اتحاد شوروی برنامه‌های خود را تنظیم کرد.<sup>۲</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر از اهداف و ابعاد این برنامه ر.ک به میخائیل گورباچف؛ پرستریکا؛ دومین انقلاب روسیه؛ ترجمه عبدالرحمن صدریه؛ تهران: نشر آبی،

۱۳۶۶.

2. Andrew Savchenko; "Toward Capitalism or Away from Russia arly Stage of Post- Soviet Economics Reforms in Blarus and the Baltics"; American Journal of Economics and Sociology; Vol.61; No,1; Jan 2002; pp.233-37.

برنامه‌های استالین که برای از میان بردن مالکیت خصوصی و استثمار کارگران، طراحی و اجرا گردید، در عمل به شکل گیری نظام سرمایه داری دولتی در اتحاد شوروی منجر شد. استثمار نه تنها از میان نرفت، بلکه با ضعف اتحادیه های کارگری و دیگر نهادهای مدنی، قدرت دولتی به رقیبی بلا منازع برای سیطره جبارانه بر شهروندان اتحاد شوروی تبدیل گردید. اجرای نظریه استالین در مورد "بنای سوسیالیسم در اتحاد شوروی" سبب شد تا احزاب کمونیست همه کشورهای جهان در اختیار حزب کمونیست اتحاد شوروی قرار گرفته، سیاست های خود را به صلاح دیدهای آن و در واقع منافع اتحاد شوروی تنظیم کنند.<sup>۱</sup>

علیرغم تلاشهای خروشچف برای اصلاح نظام اقتصاد متمرکز اتحاد شوروی، نتیجه مثبتی از این اقدامات به دست نیامد. در دوران برژنف نیز تلاشهایی به عمل آمد تا از طریق آزاد سازی اقتصادی و ایجاد انگیزه در برخی فعالیت های اقتصادی، با مشکلات ناکارآمدی نظام اقتصادی مقابله شود. سیاست برژنف در ترویج لیبرالیسم اقتصادی در غیاب لیبرالیسم سیاسی نتوانست برای رفع مشکلات یاد شده به نتیجه مناسبی منتج شود. یوری آندروپوف جانشین برژنف نیز کوشید با انضباط کاری بدون پرداختن به مشکلات ماهوی اقتصاد متمرکز در اتحاد شوروی با روند کاهش رشد اقتصادی این کشور مواجهه نماید، که دوران کوتاه زمامداری وی مجال برای به نتیجه رسیدن در برداشت.

## ۲- اصلاحات اقتصادی گورباچف (پرستریکا)

نا کار آمدی نظام اقتصادی- اجتماعی اتحاد شوروی از آغاز دهه ۱۹۸۰ غیر قابل کتمان شده بود. حاکمیت دیوانسالاری عظیم سیاسی- اقتصادی، اتلاف عظیم منابع تولید، شکاف رو به تعمیق و گسترش تکنولوژیک، تهدید و توسعه بی ثباتی سیاسی را به همراه داشت. گورباچف اصلاحات وسیع و همه جانبه اقتصادی - سیاسی - اجتماعی را ضرورتی انکار ناپذیر برای بقای اتحاد شوروی خواند. او در کتاب "پرستریکا، دومین انقلاب روسیه" به شرح و توصیف وضعیت عمومی اتحاد شوروی پرداخت، و ادامه آن را تهدیدی جدی علیه موجودیت نظام سوسیالیستی ارزیابی کرد.<sup>۲</sup> گورباچف بر اساس تجربه اصلاحات کاسیگین در دوران برژنف ضرورت همراه سازی اصلاحات سیاسی و اقتصادی را مورد توجه قرار داده بود. هر چند طراح و مجری اصلاحات در شوروی یوری آندروپوف بود، که ۱۸ سال ریاست کا.گ. ب. را بر عهده داشت، ولی کوتاهی زمامداری او سبب شد، این نقش را گورباچف بر عهده گیرد.

گورباچف که برای برنامه اصلاحات اقتصادی فاقد برنامه روشن و مشخص بود، از طرح نظریه "بازار سوسیالیستی" در آغاز برنامه خود، به برنامه "انتقال به اقتصاد بازاری ظرف ۵۰۰ روز" رسید.<sup>۳</sup> مقاومت های دیوانسالاری سیاسی- اقتصادی اتحاد شوروی در برابر برنامه های اصلاحات نیز در جای خود قابل بررسی است. فراز و فرود مکرر در برنامه اصلاحات و ابعاد و اهداف آن اقتصاد شوروی در دوران گورباچف

3. Richard Sakwa; "Russian Politics and Society"; London: Routledge; 1993; pp. 201-202.

۱. الهه کولائی؛ اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۸۰ فصل سوم.

۲. الهه کولائی؛ استالینسم و حزب توده ایران؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۵۷-۶۴.

را به شرایط فروپاشی نزدیک ساخت. عدم هماهنگی و توافق لازم برای اجرای برنامه اصلاحات، و فقدان درک یکپارچه و روشن از اهداف و دامنه آن بر دشواری این مسیر افزود. طرح شاتالین برای انتقال از سوسیالیسم به سرمایه داری در مدت ۵۰۰ روز با انتقادات شدید کارشناسان اقتصادی روسی و غربی مواجه شد. عدم امکان تحقق این برنامه سبب شد برخی از شوروی شناسان، مشاوران گورباچف را به شناگرانی تشبیه کنند که اول شیرجه می روند، بعد به فکر اینکه شنا بلد هستند، یا نیستند، می افتند! مشکلات اقتصادی ناشی از ناکارآمدی اقتصاد دولتی متمرکز اتحاد شوروی، به همراه بحران های سیاسی - اجتماعی روند تحولات را از کنترل حزب کمونیست خارج کرد.<sup>۱</sup>

عامل اقتصادی و بحران آن پاشنه آشیل دولت اتحاد شوروی بود، که سرانجام نابودی آن را به همراه داشت. پنج سیاست اقتصادی از دوران گورباچف شکل گرفت. نخستین آن یک برداشت ملایم و میانه از اصلاحات اقتصادی در دوران گورباچف بود که چهره‌هایی مانند آقا - بیگیان، بولگومولوف، آبالکین و شاتالین به آن صورت بخشیدند.

دوم گرایش حفظ به بلوک دموکرات های افراطی مانند بوریس فئودوروف و گریگوری یاولینسکی بود که در یکپارچگی اقتصادی در عرصه اوراسیا بودند. گروه سوم منتقدین فرهنگی شیوه های مصرف انبوه غربی و نگران از تبدیل شدن روسیه به حاشیه‌ای برای مرکزیت امریکا و اروپا بودند. طیف وسیعی از ملی‌گرایان روسی به آن تمایل داشتند. سوم، گروهی از میانه‌روها و مرکز گرایان بودند که اتحادیه کارفرمایان و صنعتگران روسیه از آنان به‌شمار می‌آمدند. آنها بشدت نگران از دست رفتن موقعیت‌های اقتصادی بین المللی اتحاد شوروی بودند و برای تقویت حمایت دولتی از صنایع فعالیت می‌کردند. پنجم رویکرد لیبرال جدید بود که بر جسته ترین چهره آن ایگورگایدارمجرى برنامه اصلاحات بازاری روسیه بود.<sup>۲</sup> فردی که سیاست "شوک درمانی" در اقتصاد فدراسیون روسیه را تحقق بخشید.

در ۱۴ اوت ۱۹۹۲ بوریس یلتسین دستور "خصوصی سازی" و صدور چک های آن را در فدراسیون روسیه صادر کرد.<sup>۳</sup> به هر یک از شهروندان روسیه اجازه مشارکت در بازار سهام روسیه از طریق تملک این چک ها که "ووی چر" خوانده می‌شد، ارائه گردید. این چک ها به لحاظ نظری و در اساس فرصت سهمی شدن در بخشی از یک سوم دارایی‌های مالی را برای شهروندان روسیه فراهم می‌کرد. مردم نمی‌دانستند با این چک‌ها چه می‌توانند انجام بدهند و فایده آنها چیست. نظام کمونیستی مجالی را برای آموزش‌های اقتصاد غیر کمونیستی و باز فراهم نکرده بود. هدف دموکرات‌های روسیه نیز غیرممکن ساختن راه بازگشت سوسیالیسم در روسیه بود.<sup>۴</sup> آنها در پی ایجاد طبقه جدیدی از مالکان اموال خصوصی شده دولت بودند، تا زمینه‌های پیشبرد برنامه اصلاحات اقتصادی را تقویت نمایند. در واقع آنها در پی سهمی کردن مردم روسیه در دارایی‌های این

۳. میخائیل گورباچف؛ همان.

۱. الهه کولانی؛ زمینه‌های اقتصادی فروپاشی اتحاد شوروی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

۲. پیشین؛ فصل سوم.

3. Richard Sakw; Opcit; pp.213-14.

کشور نبودند. برنامه اصلاحات اقتصادی فرصتی شد تا صاحبان نفوذ سیاسی در دوران کمونیسم، این بار ابزارهای جدید اقتصادی را برای تثبیت سیطره خود به کار گیرند.

روند سریع و پر شتاب اصلاحات اقتصادی سبب بروز بحران های جدی سیاسی در فدراسیون روسیه گردید. رو در رویی روسلان خاسبولاتف رییس چچن شورای عالی، با رییس جمهوری تحت تاثیر این امر قرار داشت، هر چند قانون اساسی روسیه و ابهامات آن این منازعه را تشدید کرد.<sup>۱</sup> با سرکوب مخالفان "شوک درمانی" در پارلمان روسیه روند اصلاحات اقتصادی نیز رو به کندی نهاد و گیدار هم برکنار شد. مردم روسیه نمی دانستند با چک های خصوصی سازی چه باید بکنند، لذا تلاش برای فروش آنها را آغاز کردند. این اقدام به تجمع جدیدی از سرمایه اقتصادی در روسیه منجر شد. ساختارهای مافیایی در اقتصاد روسیه رشد سریع خود را تفویت کردند. فرایند خصوصی سازی در عمل به فرایندی از فساد سازمان یافته تبدیل گردید. فرآیندی که طی آن قدرت سیاسی پیشین به ابزارهای اقتصادی جدید انتقال یافت.<sup>۲</sup>

- انتخابات دسامبر ۱۹۹۳ و توجه شدید مردم روسیه به افراطی ملی گرا، ولادیمیر ژیرینفسکی برای هواداران اصلاحات اقتصادی روسیه در داخل و خارج زنگ خطر را به صدا درآورد.<sup>۳</sup> در آغاز تابستان ۱۹۹۴ وضعیت اقتصادی روسیه بسیار نا مطمئن بود. کاهش واقعی تولید ناخالص ملی در سالهای ۹۳-۱۹۹۲ بالغ بر ۱۲ درصد بود، که در کنار کاهش ۱۹ درصدی سالهای ۹۲-۱۹۹۱ هشدار دهنده بود. در سه ماهه اول ۱۹۹۴ کاهش تولیدات صنعتی هم ادامه داشت و به ۲۵ درصد سال قبل رسیده بود.<sup>۴</sup> افزایش قیمت مواد مصرفی از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ بالغ بر ۸۳۵ درصد بود.<sup>۵</sup>

تلاش های دولت در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ برای اعمال مقررات پولی و مالی با شکست روبرو شد. کسری بودجه دولت در ۱۹۹۳ بالغ بر ۸/۳ درصد تولید ناخالص ملی بود.<sup>۶</sup> صندوق بین المللی پول این رقم را تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی روسیه ارزیابی کرده بود. روند اصلاحات نتوانست الگوهای رفتاری غالب بر اقتصاد روسیه را تغییر دهد. امور اقتصادی چه در مالکیت دولت یا خصوصی شده همچنان وابسته به کمک های دولت و چشم انتظار آن بود. اقتصاد روسیه با حجم عظیمی از بدهیهای معوقه داخلی و خارجی روبرو بود. در اکتبر ۱۹۹۳ رقم این بدهیها ۳۰ تریلیون روبل بود، که انتظار می رفت به ۷۰ تریلیون روبل تا پایان سال برسد.<sup>۷</sup> یلتسین برنامه خصوصی سازی را در عرصه کشاورزی نیز مورد توجه قرار داده بود.<sup>۸</sup> نقش بانک جهانی در فرایند اجرای اصلاحات اقتصادی روسیه بسیار برجسته بوده است. در برنامه

4. Who Robs Once, Will Rob Twice; Pravda; Avg14, 2002; <http://www.Cdi.org/Russia/Johnson/6404-2.CFM>; p.1.

5. Ibid.

۱. الهه کولانی؛ سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه؛ تهران: دفتر اطلاعات سیاسی و بین المللی امور خارجه، ۱۳۷۶، صص ۵۸-۶۷.

2. Who Robs Once, Will Rob Twice; Opcit.

۳. فیلیپ هانسون؛ آینده اصلاحات اقتصادی روسیه؛ مطالعات آسیای مرکز قفقاز، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۳، ص ۹۴.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

نیزنی نووگرود تلاش شد تا با مشاوره‌های کارشناسان آن، دشواریهای اصلاحات اقتصادی کاهش یابد. در اجرای این برنامه در کشاورزی از طریق ایجاد یک عرصه آزمایشگاهی برای تعیین نتایج آن بر دیگر بخش‌های اقتصادی روسیه مورد توجه قرار گرفت.<sup>۱</sup> همان گونه که اشاره شد بحران پارلمان روسیه در آغاز پاییز ۱۹۹۳ - و گلوله باران آن از سوی نیروهای نظامی در حمایت از رییس جمهوری، سبب کاهش سرعت در فرایند اصلاحات اقتصادی در روسیه گردید. اصلاحات در قانون اساسی روسیه هم برای ایجاد ظرفیت های قانونی لازم مورد توجه قرار گرفت.

میراث عظیم و سنگین اقتصاد متمرکز دوران اتحاد شوروی ادامه مشکلات اقتصادی روسیه را غیر قابل اجتناب ساخت. دشواریهای سیاسی نیز بر ابعاد نابسامانی‌ها افزود. افزایش توان دولت روسیه در دریافت مالیات های مناسب از بنگاه‌های تولیدی و تجاری، کاهش موانع تجاری خارجی و ایجاد شرایط مناسب برای جذب سرمایه بین‌المللی از جمله مسایل مورد توجه دولت روسیه در اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی بود. در آمیخته شدن فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و امور اقتصادی روسیه با اقدامات جنایتکارانه و سوء استفاده های عظیم و فساد رو به گسترش، یکی از مهمترین عوارض اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی در این کشور بوده است. این امر به نوبه خود مشروعیت برنامه اصلاحات اقتصادی را بشدت تحت تاثیر قرار داده است. تقویت قانون از دوران اتحاد شوروی همواره یکی از اصلی ترین دغدغه های رهبران اصلاح طلب بوده است.<sup>۲</sup> در دوران پس از فروپاشی نیز اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی بدلیل فقدان زمینه های اجرای قانون، حکومت قوی در روسیه برای تحقق آن، به عرصه‌ای برای توسعه فساد و رفتارهای غیر قانونی تبدیل گردید. رشد سریع گرایش افراطی راست و چپ، اقبال مردم نسبت به حزب راست گرای ژیرینفسکی در سال ۱۹۹۳، یا حزب کمونیست در سال ۱۹۹۵ بیانگر عدم رضایت وسیع اجتماعی از نتایج برنامه اصلاحات اقتصادی در روسیه بوده است.

از مهمترین بحث های برنامه اصلاحات اقتصادی مباحث لیبرال ها و سنت گرایان بوده است. اقتصاددانان لیبرال بر ضرورت مهار تورم و تقویت بخش خصوصی تاکید می‌ورزیدند، و اقتصاددانان سنت گرا نیاز به حفظ پایه‌های تاریخی، قدرت علمی و اقتصادی از طریق ادامه پرداخت سوبسیدهای دولت و اقدامات دیگر را مورد تأکید قرار می‌دادند. به‌رحال تقویت سیاسی اقتصاد بازار و تلاش برای زدودن آثار سوسیالیسم ادامه یافت.

در نیمه دهه ۱۹۹۰ تلاش های یلتسین برای ایجاد یک اقتصاد بازاری به‌جای اقتصاد متمرکز بازمانده از دوران اتحاد شوروی در روسیه با بحران های پی در پی اقتصادی در این کشور همراه بود. یلتسین نیز مانند گورباچف ایجاد نهادهای ضروری برای اجرای اصلاحات اقتصادی را مورد غفلت قرار داده بود. اگر فرایند خصوصی سازی بدون توجه به تغییرات لازم در سرمایه، کار، مدیریت، منابع مالی، شیوه ها و مجاری فروش

۷. همان.

1. R-Sean Randolph; "Economic Reform and Private Sector Development in Russia and Mexico"; The CATO Journal; Vol.14; No.1; [www.Cato.org](http://www.Cato.org).

و نظایر آن شکل گیرد، نارسا و ناقص خواهد بود.<sup>۱</sup> در غیبت نهادهای اقتصاد بازار اجرای برنامه انتقال به نظام اقتصاد بازاری تحقق نخواهد یافت، همچنان‌که در گذشته شکل گرفت. ایجاد این نهادها زمینه‌های لازم برای اجرای اصلاحات بازاری را فراهم می‌آورد، که کمتر به آن توجه شده است. اهمیت ملاحظات اقتصاد کلان در نظام اقتصاد بازاری و نیز تاریخ اصلاحات پیشین در روسیه، قبل و بعد از فروپاشی، ضرورت توجه جدی به نهادهای اقتصاد بازاری را آشکار می‌سازد. ایجاد و تقویت این نهادها بخش مهمی از اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی را تشکیل می‌دهد. برخی از این نهادها به ظرفیت‌های قانونی مربوط می‌شود.

بخش‌های مربوط به بانکداری و بیمه یا حسابداری نیز در این راستا قابل بررسی می‌باشند. سه نهاد عمومی دارای اهمیت بنیادین برای ایجاد نظام اقتصادی بازار هستند: نظام حقوق مالکیت که این نهاد می‌تواند فرآیند سرمایه‌گذاری و تولید را تسهیل سازد. نظام حقوقی نهاد بعدی است که ارتباط مستقیم با نهاد پیشین دارد. حقوق مالکیت نیازمند ساز و کار حقوقی و قانونی مناسب برای تأمین امنیت لازم در امور سرمایه‌گذاری است. وجود ساز و کار مناسب برای حل و فصل اختلافات و دستگاه‌های کار آمد نیز در این خصوص ضروری است، نهاد بعدی نظام مالی و پولی قوی و قابل اعتماد است. در غیاب پول معتبر و قدرتمند، این نظام با دشواری جدی مواجه می‌باشد.<sup>۲</sup>

نهادهای یاد شده در اقتصاد روسیه دچار ضعف بوده‌اند، و دولت روسیه نیز توجه زیادی به آن نداشته است. دولت نتوانسته نقش تعادل بخشی میان بقایای اقتصاد دولتی پیشین و بخش رو به توسعه بازاری ایفا نماید. مقابله با فساد ناشی از ایجاد فرصت‌های جدید در فرآیند گذار در پایان دهه ۱۹۹۰ از سوی ریاست جمهوری جدید روسیه قاطعانه مورد توجه قرار گرفت. ولادیمیر پوتین کوشید جریان‌ات فاسد حاکم بر اقتصاد روسیه را محدود و کنترل نماید. در این زمینه بهبود روزافزون روابط با جامعه بین‌المللی و منابع انتقال سرمایه به طور قابل توجهی در دستور کار پوتین قرار گرفت. هر چند یلتسین نیز روابط گسترده و حتی منفعلانه‌ای در برابر امریکا داشت، ولی پوتین تلاش کرد از اقتدار باقیمانده "دولت روسی" نیز در این زمینه بهره‌گیری.<sup>۳</sup> جریان کمک‌های مالی غرب به روسیه تحت تاثیر شدید فراز و نشیب‌های سیاسی روسیه و امریکا قرار داشته، ولی بهر حال پوتین بهره‌گیری از این کمک را به‌طور جدی مورد توجه قرار داده است. همکاری‌های فنی و تکنولوژیک در این زمینه بسیار حایز اهمیت بوده است، تا عقب ماندگی تکنولوژیک روسیه نسبت به غرب را کاهش دهد.<sup>۴</sup> برای دولت روسیه در چارچوب همکاری‌های سیاسی، راه یافتن به گروه هفت کشور صنعتی جهان G7 و تبدیل آن به ۸ کشور قدرتمند جهان G8 حایز اهمیت بسیار بوده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت فقدان استراتژی روشن برای اصلاحات اقتصادی و مقاومت‌های شدید دیوان سالاری در دوران گورباچف، امکان پیشبرد این برنامه و جلوگیری از فروپاشی اتحاد شوروی را از میان

2. Ibid.

۱. الهه کولائی؛ اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ص ۱۸۰.

2. Michael D. Intriligator; "Reform of the Russian Economy, The Role of Institutions"; International Journal of Social Economics; Vol.23; No,10-11; 1996; p.64.

3. Ibid; p.67.

برد. خوش بینی شدید او نسبت به کمک های غرب و بویژه امریکا برای رفع عقب ماندگی های تکنولوژیک این کشور نتایج وخیمی به همراه داشت. با فروپاشی اتحاد شوروی برنامه انتقال به اقتصاد بازاری و محو کلیه آثار باز مانده از اقتصاد سوسیالیستی با سرعت دنبال شد. اجرای سیاست "شوک درمانی" با بحران های شدید سیاسی در روسیه همراه شد و رشد سریع تمایلات افراط گرایانه چپ و راست را دامن زد. این امر سبب بازنگری در سرعت برنامه اصلاحات اقتصادی در روسیه گردید. مردم اتحاد شوروی که با سراب سرمایه داری از نظام اقتصاد سوسیالیستی روسی گریخته بودند، دچار فقر، فساد و تباهی گسترده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شدند. کاهش شدید استانداردهای زندگی، حاصل اجرای این برنامه ها برای مردم روسیه بود. اصلاحات اقتصادی به فرصتی برای شکل گیری نخبگان جدید روسیه تبدیل گردید. تورم شدید، کسری بودجه و کاهش تولید ملی و وضعیت دشواری را برای توده های مردم فراهم آورد.

کمیود سرمایه و کاهش سرمایه گذاری از دیگر نتایج تحولات اقتصادی آغاز دهه ۱۹۹۰ در روسیه بود. رهبران روسیه کوشیدند با انتقال هزینه های تسلیحاتی به بخش غیرنظامی اقتصاد، میراث عظیم بازمانده از دوران اتحاد شوروی، دشواریهای کمیود سرمایه را جبران کنند. عقب ماندگی تکنولوژیک و میراث اقتصادهای همبسته ولی فروپاشیده اتحاد شوروی، اجرای اصلاحات اقتصادی را با چالش های جدی مواجه ساخت. کاهش نقش دولت و سوبسیدهای عظیم آن و حمایت های اجتماعی در دستور کار دولت روسیه قرار گرفت. رهبران روسیه به جای "دست مرئی" مدیریت سوسیالیستی، "دست نامرئی" بازار را به عنوان مکانیسم اصلی مدیریت اقتصادی روسیه پذیرا شدند. بازاری شدن اقتصاد روسیه شرط ضروری برای یکپارچه شدن با اقتصاد جهانی تلقی و لذا اجرای برنامه های پیشنهادی صندوق بین المللی پول دنبال شد.

اجرای اصلاحات اقتصادی در روسیه با بحران های سیاسی متناوب همراه گردید؛ ولی رهبران این کشور ضرورت و غیر قابل اجتناب بودن آن را همواره مورد تأکید قرار داده اند. اعمال سیاست های انتقال به اقتصاد بازاری در طول زمان با توجه مناسب به نهادهای ضروری اقتصادی و اجتماعی همراه نبوده است. این امر سبب بروز دشواریهای جدی برنامه اصلاحات اقتصادی در روسیه شده است. رهبری فدراسیون روسیه در طول یک دهه گذشته این روند را به طور مستمر دنبال کرده، زیرا برای بهره مندی از همکاریهای جهانی راهی جز ادامه آن نیافته؛ چرا که مزایای اقتصادی- سیاسی بین المللی این برنامه برای آنان غیرقابل چشم پوشی بوده است.

### ۳- جمع بندی

زمانی میلتون فریدمن اقتصاددان معروف امریکایی ضرورت اجرای خصوصی سازی در روسیه را به عنوان تنها راه نجات این کشور مورد تأکید قرار داد. او با مشاهده تجارب اخیر روسیه در مورد امور اقتصادی به روشنی ضرورت همراهی اصلاحات اقتصادی با ایجاد زیر ساخت های مناسب سیاسی - اجتماعی را مورد تأکید قرار داده است. خصوصی سازی در روسیه به انتقال قدرت از یک گروه ویژه به گروه ویژه دیگری



انجامیده است و مردم روسیه از این نقل و انتقال بهره‌ای نبرده‌اند. فساد و سوء استفاده‌های عظیم مالی در روسیه حاصل فقدان زیر ساخت‌های دموکراتیک سیاسی - اجتماعی برای کنترل این فرایند انتقال بوده است. فقدان حاکمیت متون و عدم شفافیت در امور سیاسی - اقتصادی و عدم نظارت بر این حوزه‌ها سبب شده تا مردم روسیه از تحولات اقتصادی بهره‌ای نداشته باشند.

ایجاد و تقویت نهادهای دموکراتیک که نظارت مردم را تحقق سازند و امکان نظارت بر فرایندهای انتقال را ارائه نمایند، مورد غفلت بوده است. نهادهای ضروری در ایجاد نظم بازاری نیز در روسیه مورد توجه نبوده‌اند: سیستم کارآمد صندوق مالکیت، نظام حقوقی مؤثر و مناسب برای تأمین این سرمایه‌گذاری و نیز فقدان نظام پولی و مالی معتبر در ایجاد وضعیت اخیر مؤثر بوده‌اند.

در برنامه اصلاحات اقتصادی کشور، میزان ضعف‌ها کاملاً روشن است. ایجاد زیر ساخت‌های مناسب برای خصوصی‌سازی باید بدرستی مورد توجه و سرمایه، کار، مدیریت، منابع، شیوه‌های تجاری فروش و نظایر آن، بنای برنامه خصوصی‌سازی قرار گیرد. بدون توجه به نهادهای اقتصادی بازار نمی‌توان برای انتقال به این نظام برنامه‌ریزی کرد. این ارض مستلزم تقویت نهادهای دموکراتیک سیاسی - اجتماعی، حاکمیت قانون و تقویت نهادهای نظارتی و کنترلی است که زمینه‌های لازم را برای اجرای موفق خصوصی‌سازی فراهم آورد.

## فهرست منابع

### الف - فارسی

- ۱- کولائی، الهه؛ اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۲- کولائی، الهه؛ استالینسم و حزب توده ایران؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۳- کولائی، الهه؛ زمینه‌های اقتصادی فروپاشی اتحاد شوروی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- ۴- کولائی، الهه؛ سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه؛ تهران: دفتر اطلاعات سیاسی و بین المللی امور خارجه، ۱۳۷۶.
- ۵- گورباچف، میخائیل؛ پرستریکا، دومین انقلاب روسیه؛ ترجمه عبدالرحمن صدریه؛ تهران: نشر آبی، سال ۱۳۶۶.
- ۶- هانسون، فیلیپ؛ آینده اصلاحات اقتصادی روسیه؛ مطالعات آسیای مرکزی قفقاز، شماره ۷، زمستان ۱۳۷۳.

### ب - انگلیسی

- 1- Berkowitz Daniel, David N. Dejong, & Steven Husted; "Qualifying Price Liberalization in Russia"; Journal of Comparative Economics; 26; 1998; PP. 735 – 36.
- 2- Business Week, Online ; April 17, 2000; [http: WWW. Businessweek; Com.bwdaily / dnflash / pr 2000 / nfoo 717 a htm? Scriptframed.](http://WWW.Businessweek; Com.bwdaily / dnflash / pr 2000 / nfoo 717 a htm? Scriptframed.)
- 3- Intriligator, D. Michael; "Reform of the Russian Economy , The Role of Institutions"; International Journal of Social Economics; Vol. 23; No. 10-11; 1996; P. 64.
- 4- Marangos, John; "A Political Economy Approach to the Newclassical Model of Transition"; American Journal of Economics and Sociology ; Vol. 61; No. 1; Jan. 2002; PP. 200- 62.
- 5- Randolph, R. Sean; "Economic Reform and Private Sector Development in Russia and Mexico"; The CATO Journal; Vol. 14; No. 1; WWW. Cato. org.
- 6- Robs Who Once, Will Rob Twice; Pravda ; Avg 14 , 2002. [http: // WWW. Cdi. Org Russia / Johnson / 6404-2. cfm , p.1.](http:// WWW. Cdi. Org Russia / Johnson / 6404-2. cfm , p.1.)
- 7- Sakwa, Richard; "Russian Politics and Society"; London: Routledge ; 1993; PP. 201 – 202.
- 8- Savchenko, Andrew; "Toward Capitalism or Away from Russia: Early Stage of Post – Soviet Economics Reforms in Blarus and the Baltics" American Journal of Economics and Sociology ; Vol: 61; No. 1; Jan. 2002; PP. 233 – 37.

